



Sociological analysis of the one-party political system in the Pahlavi period

Hossein Tafazoli¹
Asghar Farnian²

Abstract

For a long time, the Middle East region has played a prominent role in the conflict of global crises, and this role has been preserved for a long time. The noteworthy point is the role of the great powers of the region such as Iran, Saudi Arabia and Turkey, each of them coming to realize themselves as the superior power (military, economic, etc.) of the Middle East region by exerting their influence in other countries. The current research uses the descriptive analytical method to examine the role of each of the mentioned powers on the future of power in the Middle East of the 21st century. Bahrain, Syria and Yemen are the regions of competition in the Middle East. They are the regions of competition in the 21st century. The results indicate that ignoring the fundamental role of power in creating, protecting and regulating regional principles, norms, rules and procedures will be misleading, and on the other hand, one of the important criteria for evaluating global and regional powers is their level of influence in such institutions, which It, the policies and behaviors of regional governments, are somehow under their supervision and influence

Key words: regional power, Middle East, Iran, Saudi Arabia, Turkey

¹ Assistant Professor, Islamic Azad University, Roudhen Branch, Tehran, Iran.

Hos.Tafazoli@iauctb.ac.ir

² PhD student in Political Sociology, Central Tehran Azad University. Tehran. Iran.

Asgharfarnyian@gmail.com



نقش قدرت‌های بزرگ منطقه (ایران، عربستان، ترکیه) بر آینده قدرت در
غرب آسیای قرن
حسین تفضلی^۱ - اصغر فرنیان^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۳۰

چکیده

از دیرباز منطقه خاورمیانه در کشمکش بحران‌های جهانی نقشی پررنگ داشته است که این نقش از دیرباز تاکنون پای برجا مانده است. نکته قابل توجه نقش قدرت‌های بزرگ منطقه همچون کشورهای ایران، عربستان و ترکیه است که هر کدام بر آیند تا با اعمال نفوذ خود در کشورهای دیگر، خود را به قدرت برتر (نظامی، اقتصادی و...) منطقه خاورمیانه محقق سازند. تحقیق حاضر با استفاده از روش تحلیلی توصیفی نقش هر کدام از قدرت‌های مذکور بر آینده قدرت در خاورمیانه قرن بیست و یکم بررسی می‌گردد. بحرین، سوریه و یمن مناطق رقابت در خاورمیانه مناطق رقابت قرن بیست و یکم هستند. نتایج حاکی از آن است که بی‌توجهی به نقش اساسی قدرت در خلق، حفاظت و تنظیم اصول، هنجارها، قواعد و رویه‌های منطقه‌ای، گمراه‌کننده خواهد بود و از سوی دیگر از معیارهای مهم ارزیابی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای سطح نفوذ آن‌ها در چنین نهادهایی است که به تبع آن، سیاست‌ها و رفتارهای دولت‌های منطقه، به نحوی تحت نظارت و تأثیر آن‌ها قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: قدرت منطقه‌ای، خاورمیانه، ایران، عربستان، ترکیه

^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، تهران، ایران

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه آزاد تهران مرکزی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

بشر قرن بیستم را در حالی پشت سر گذاشت که آن را پر حادثه‌ترین و پر آشوب‌ترین عصر سیاسی انسان نام‌گذاری کرده‌اند. عصری که دامنه جنگ‌ها و مناقشات با وقوع جنگ‌های جهانی اول و دوم دوران، جدیدی را برای انسان رقم زد. تحولات گسترده در عرصه سیاسی، اقتصادی اجتماعی، فرهنگی و به‌ویژه تکنولوژیکی در مجموع قرن بیستم را به عصر دگرگونی‌های اساسی تبدیل کرد. نکته قابل توجه اینکه محور همه تحولات و غایت نهایی آن‌ها معادلات نظامی گرایانه بوده و قدرت نظامی به‌عنوان هدف نخست هر دو ابرقدرت، منشأ تحولات مختلفی در سراسر جهان شده است. پیشرفت‌های تکنولوژیکی- استراتژیکی به‌عنوان معیار برتری یکی از دو ابرقدرت به رقابت جنبه نظامی صرف داده بود از این‌رو، قرن بیستم عصر برآوردهای استراتژیک مکانی و تفوق اندیشه ژئواستراتژی نظامی محور بود؛ اما دهه‌های پایانی سده گذشته با چنان تغییرات همراه بود که راهبردهای نظامی محور با تنزل به رتبه‌های بعدی، نویدبخش دوران نوینی از ترتیبات اقتصادی شد. در این میان ایران هم به دلیل قرار گرفتن در یکی از حساس‌ترین مناطق دنیا (تأکید بر روی عنصر ژئوپلیتیک) و هم درگیر شدن در معادلات اقتصادی انرژی محور در عرصه تفکر ژئواکونومی، شرایط، توانمندی‌ها و ملاحظات ویژه از کشورهای قابل توجه قرن حاضر است (هادی زاده و عزتی، ۱۳۹۳: ۱). خاورمیانه در طول تاریخ همواره یکی از کانون‌های عمده بحران در جهان بوده و در برخی دوره‌های تاریخی نقاط عطف تحولات در عرصه جهانی در خاورمیانه شکل گرفته و یا پایان پذیرفته است. مطالعه تاریخ این منطقه خصوصاً تاریخ سیاسی آن نشان می‌دهد که چهار مؤلفه اساسی شامل: نفت، بازار، فرهنگ سیاسی و ژئوپلیتیک همواره در شکل‌دهی به تحولات و تغییرات در این منطقه حساس جهان نقش مهم داشته است. تلاش در توازن قدرت باعث رقابت‌های بزرگ منطقه (ایران، ترکیه و عربستان) شده و در وقوع تحولات اخیر موضوع رقابت را مهم و برجسته نموده است. این قدرت‌ها با چالش‌هایی که در خاورمیانه ایجاد شده است سعی در پیشی

گرفتن از رقبای خود داشته‌اند. قدرت‌های بزرگ در خاورمیانه تلاش‌های زیادی می‌کنند تا ساختار دینی مذهبی خاورمیانه را حفظ کنند و هر سه قدرت با ایدئولوژی اسلامی که دارند وارد این کارزار شده‌اند. از طرفی خاورمیانه برای غرب نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و تلاش بر آن است تا به دنبال هم‌پیمانان مهمی در منطقه باشند. امروزه بعد از فروپاشی نظام دوقطبی و سپری شدن دوران فترت خاورمیانه دوباره به یکی از مناطق بحرانی و تحول ساز در سطح جهانی تبدیل شده است. این باربر خلاف دوران دوقطبی که ژئوپلیتیک اولویت اساسی را در مؤلفه‌های چهارگانه دارا بود، فرهنگ سیاسی از اولویت بالایی برخوردار گشته است.

پیشینه پژوهش

"موازنه فراگیر: الگوی تحلیل نقش قومیت بر سیاست خارجی" با تأکید بر خاورمیانه پژوهشی که است که بیان می‌دارد واقع‌گرایی و نواقح‌گرایی به‌عنوان رهیافت مسلط بر مطالعات روابط بین‌الملل و سیاست خارجی با تأکید بر دولت‌گرایی و غلبه دادن عنصر ساختار به‌جای بازیگران در نظام بین‌الملل نقشی برای تأثیرگذاری قومیت و گروه‌های قومی بر سیاست خارجی دولت‌ها قائل نمی‌شود درحالی‌که با پایان جنگ سرد شاهد گسترش تأثیرگذاری متغیر گروه‌های قومی بر ترتیبات امنیتی سیستم‌های تابع و نظم‌های منطقه‌ای به‌ویژه در خاورمیانه هستیم.

در پژوهش دیگری که تحت عنوان نظام متغیر موازنه قدرت در اوراسیای مرکزی و پیامدهای آن برای ایران انجام داد بیان کرد که وقوع تحولات تعیین‌کننده سیاسی در اوراسیای مرکزی از جمله تضعیف یا سقوط دولت‌های برآمده از انقلاب‌های رنگی بار دیگر توجهات را به سمت مناطق آسیای مرکزی و قفقاز جلب کرده است. جدا از ریشه‌ها و تأثیرات داخلی، این تحولات را می‌توان در چارچوب روند تغییرات نظام‌مند حاکم بر این مناطق - که بازخوردی مستقیم بر نظام موازنه قدرت در اوراسیای مرکزی داشته و بر نوسانات و سیالیت این نظام می‌افزاید را مورد بررسی قرار داد. تحولات سال‌های اخیر در

حوزه اوراسیای مرکزی از تداوم روند فرسایش موقعیت بازیگران غربی و افزایش نقش و نفوذ بازیگران منطقه‌ای و سنتی این حوزه حکایت دارد.

تحقیق پیامدهای بی‌ثباتی امنیتی بر موازنه قدرت در خاورمیانه به بررسی تحولات اخیر در خاورمیانه پرداخته و این تحولات را به‌عنوان محور اصلی تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای معرفی کرده است. طبق یافته تحقیق هرگونه جابجایی در ساختار قدرت سیاسی کشورهای منطقه، دارای پیامدهای راهبردی برای کشورهای مختلف است.

اهداف ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای پژوهشی است که بیان کرده است که با فروپاشی نظام دوقطبی، آسیای مرکزی به‌عنوان بخش جنوبی از قلمرو هارتلند نظریه می‌کنند، هویت جغرافیایی-سیاسی مستقل پیدا کرده و به‌عنوان فضای فاقد قدرت تأثیرگذار، به عرصه رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای تبدیل شده است. فقدان قدرت تأثیرگذار و نوپایی جمهوری‌های آن، زمینه‌ساز دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را در این حوزه استراتژیک فراهم کرده است. قدرت‌های یادشده هرکدام دارای اهداف، منافع و دیدگاه‌های خاص خود هستند که شناخت صحیح دیدگاه‌های آنان زمینه‌ساز اتخاذ سیاست‌های مناسب‌تری از جانب دستگاه سیاست خارجی ایران خواهد بود.

نظریه واقع‌گرایان و قدرت نفوذ

واقع‌گرایی یکی از قدیمی‌ترین رهیافت‌های نظری روابط بین‌الملل است و به‌صورت گسترده‌ای به‌عنوان یک جهان‌بینی^۱ پذیرفته شده است. واقع‌گرایی که اغلب با عنوان سیاست قدرت یا سیاست واقع‌گرایانه مورد اشاره قرار می‌گیرد تمرکز اصلی‌اش بر کسب، حفظ و اعمال قدرت از سوی دولت‌ها است. به‌طور کلی قدرت به دو شکل تجلی می‌یابد: یکی قدرت سخت که خود را در توانمندی‌های نظامی ملموس همچون تانک‌ها و هواپیماها و موشک‌ها و سربازان و غیره نشان می‌دهد و دیگری قدرت نرم است که بانفوذ از طریق ایده‌ها یا ثروت یا ابتکار اقتصادی و سیاسی خود را نمایان می‌کند. این دیدگاه کلاً

¹ world view

بر مسائل بین‌المللی چون امنیت، جنگ و دیگر اشکال منازعات خشونت‌بار مبتنی است. این مکتب اساساً از اروپا و طبق تجربیات ملموس متفکرین آن دیار بر خواسته تا آنجا که برژینسکی و هنری کسینجر (مشاورین امنیت ملی کارتر و نیکسون) که واقع‌گرایان آمریکایی‌اند در اروپا متولد و بزرگ‌شده‌اند. در بحث نظریه رقیب آن، لیبرالیسم، باید گفت که اساساً نگرش تمام متفکرین آمریکایی مبتنی بر لیبرالیسم است و در بسیاری جهات عامدانه و با آگاهی از واقع‌گرایی دور می‌شوند. اروپا، قاره‌ای که جنگ‌های سی‌ساله مذهبی (۱۶۴۸-۱۶۱۸) و جنگ‌های ناپلئونی (۱۸۱۵-۱۸۰۳) و بعد از آن جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) و جنگ دوم جهانی (۱۹۴۵-۱۹۳۹) را با تمام وجود لمس و تجربه کرده است.

واقع‌گرایان تهاجمی

فرید زکریا معتقد است که هنگامی که دولت‌ها ثروتمند می‌شوند، قدرت نظامی خود را افزایش می‌دهند و هنگامی که تصمیم‌گیرندگان اصلی آن‌ها تصور می‌کنند قدرت آن‌ها از نظر نظامی افزایش یافته راهبردهای تهاجمی اتخاذ می‌کنند. در واقع از نظر نوکلاسیک‌های تهاجمی قدرت دولت مهم‌تر از قدرت ملی است؛ زیرا بخشی از قدرت ملی را تشکیل می‌دهد که حکومت می‌تواند از آن برای رسیدن به اهداف خود استفاده کند در واقع از نظر زکریا هر چه قدرت دولت و قدرت ملی افزایش پیدا کند، به سیاست‌های خارجی توسعه‌طلبانه منجر می‌شود. میرشایمر معتقد است که هدف اصلی هر دولتی آن است که سهم خود را از قدرت جهانی افزایش داده و این به معنای کسب قدرت به زیان دیگران است و به نظر او دلیل اصلی قدرت‌طلبی دولت‌ها را باید در سه چیز جستجو کرد: ساختار آنارشی نظام بین‌الملل، توانمندی‌های تهاجمی که دولت‌ها از آن برخوردارند، عدم اطمینان در مورد نیت و مقاصد دشمن (قوام، ۱۳۸۴: ۴۵). او برخلاف واقع‌گرایان کلاسیک سرشت قدرت‌طلب و جنگ‌طلب بشر را مهم نمی‌داند و معتقد است که این دولت‌های قوی هستند

که به نهادهای بین‌المللی شکل می‌دهند تا بتوانند سهم خود را از قدرت جهانی را حفظ کنند و دولت‌ها باید آنچه را که واقع‌گرایان تهاجمی دیکته می‌کنند عمل کنند.

واقع‌گرایی تدافعی

فرض آن‌ها بر این است که آنارشی بین‌الملل معمولاً خوش‌خیم است یعنی امنیت چندان نایاب نیست و فراوان است در نتیجه دولت‌هایی که آن را درمی‌یابند رفتاری تهاجمی نخواهند داشت و تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آن‌ها وجود دارد نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند به نظر، تالیا فرو، واقع‌گرایی تدافعی مبتنی بر چهار فرض است: معضله امنیت، ساختار ظریف قدرت، برداشت‌های ذهنی رهبران ملی، عرصه سیاست داخلی؛ از جمله نظریه‌پردازان واقع‌گرایان تدافعی جک اسنایدر و استفان والت هستند. تأکید والت بر اهمیت موازنه تهدید به‌جای موازنه قدرت است در واقع از نظر او تنها صرف قدرت مهم نیست سایر عوامل هم مهم هستند در واقع از نظر والت برداشت‌های دولت از یکدیگر مهم‌تر است، هر چه دولت تجاوزکارتر باشد، احتمال اینکه دولت‌های دیگر علیه او موازنه را در پیش بگیرند بیشتر است؛ اما در مواردی که دولت‌های ضعیف‌تر تصور کنند که طرف مقابل به پیروزی نزدیک می‌شود آن‌ها سیاست همراهی با آن دولت را در پیش می‌گیرند؛ بنابراین هر عملی مبتنی بر تصور و برداشت‌های دولت‌ها از یکدیگر است (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۷۸). از جمله انتقادات به واقع‌گرایان تدافعی این است که نمی‌تواند دولت‌های تجدیدنظرطلب را توضیح دهد و اینکه آنچه دولت‌ها باید از نظام بین‌الملل یاد بگیرند با آنچه عملاً یاد می‌گیرند در هم می‌آمیزد.

نظریه قدرت

مکتب رئالیسم سیاسی اساساً جزئی از اندیشه‌ی پوزیتیویستی بوده است که به‌جای بحث در معنای غائی و هدف جهان به بررسی چگونگی وقوع امور و روابط میان آن‌ها می‌پردازد. رئالیسم سیاسی و نظریه‌ی قدرت ریشه در اندیشه‌ی متفکرانی چون نیکولو ماکیاولی و توماس هابز دارد، ولی در قرن بیستم در ضدیت با آرمان‌های دمکراسی و سوسیالیسم بار

دیگر در اندیشه‌ی شماری از اندیشمندان سیاسی رونق تازه‌ای گرفته است. رئالیسم سیاسی انقلاب را اساساً پدیده‌ای سیاسی می‌داند که در آن قدرت سیاسی دست‌به‌دست می‌شود. در این دیدگاه انقلاب عاری از هرگونه ملاحظات اخلاقی و آرمانی موردبررسی قرار می‌گیرد. آرمان‌های آزادی و برابری و ایجاد جامعه‌ی بهتر تنها جزئی از ایدئولوژی گروه‌های قدرت‌طلب بشمار می‌روند. واقعیت قدرت واقعیتهای دائمی است و بنابراین دولت و سلطه‌ی سیاسی پدیده‌ای همیشگی و پرهیزناپذیر بشمار می‌روند. از این دیدگاه تحول تاریخ تحولی دوری است به این معنا که از نظر سیاسی تاریخ آستن جامعه‌ی بهتری نیست. بر اساس این فرض انقلاب تحولی اساسی در ساختار اجتماعی ایجاد نمی‌کند زیرا تقسیم‌کار، طبقات و سلطه‌ی اجتماعی اجتناب‌ناپذیرند. از این رو نتیجه‌ی همه‌ی انقلاب‌ها کم‌وبیش یکسان است و آن بازسازی سلطه و قدرت دولتی است. انقلاب اساساً معلول ضعف دستگاه سرکوب دولت است. در روند انقلاب گروه‌های خواهان قدرت دست به بسیج توده‌ها می‌زنند. توده‌های انقلابی توده‌هایی خودجوش نیستند بلکه بسیج و تحریک می‌شوند و پس از پایان منازعه‌ی قدرت و سلطه‌ی گروه جدید بر دولت به‌جای مألوف خود در قعر جامعه بازمی‌گردند. از این دیدگاه بسیج اساساً عملی غیرعقلانی است که در طی آن توده‌ها نه به خاطر منافع ملموس اقتصادی بلکه بر اساس آرزوهایی نه‌چندان واقعی که ایدئولوژی گروه انقلابی در دل آن‌ها می‌پروراند بسیج می‌شوند. از این رو یکی از لوازم و شرایط بسیج انقلابی پیدایش عقیده و ایدئولوژی همه‌گیری است که بر اساس آن توده‌ها وضع موجود را با وضعی خیالی مقایسه می‌کنند (بشیریه، ۱۳۹۰: ۸۹).

قدرت منطقه‌ای

مشی بین‌المللی هر دولت را مسئول حفظ امنیت ملی خود می‌سازد. فیلسوف واقع‌گرای انگلیسی قرن هفدهم توماس هابز اظهار داشت که این شرط بین دولت جنگ همیشگی «همه علیه هم» را هم راه می‌اندازد. واقع‌گرایان، نو واقع‌گرایان و واقع‌گرایان نوستنی استدلال می‌کنند که اصلاح این سیستم غیرممکن است زیرا تا وقتی حرکت همیشگی

برای غلبه بر رقیبان وجود دارد، آنارشی بین‌المللی همیشگی است. بقا و نظم جهانی بر اساس کارکرد مناسب این سیستم صف‌بندی‌های نظامی که به همان اصل موازنه قدرت برمی‌گردد، تغییر می‌یابد. موازنه قوا نقش و جایگاه کانونی در مفهوم بندی واقع‌گرایانه از امنیت بین‌الملل دارد. هسته مرکزی (مرکز ثقل) این ایده است که صلح زمانی ایجاد می‌شود که قدرت نظامی به گونه‌ای باشد که قدرت نظامی به گونه‌ای باشد هیچ‌یک از دولت‌ها توان کافی برای تسلط بر دیگران را نداشته باشند. اگر یکی از دولت‌ها یا ترکیبی از دولت‌ها قدرت کافی برای تهدید دیگران را کسب کرد، برای آن‌هایی که تهدید شده‌اند، این انگیزه را ایجاد می‌کند تا تفاوت‌های سطحی که باهم دارند را کنار گذاشته و در یک اتحاد دفاعی باهم متحد شوند. قدرت از این قبیل تمایلات به همکاری به دست می‌آید. بر اساس این مفهوم تمایل حمله‌کننده به توسعه‌طلبی از میان می‌رود. به گفته مورگنتا اشتیاق چند کشور برای کسب قدرت که هر یک تلاش می‌کند یا وضع موجود را حفظ برهم زند ضرورتاً به یک‌شکل بندی قدرت که موازنه قوا خوانده می‌شود و سیاست‌هایی جهت حفظ و نگهداری آن می‌انجامد (منتهی می‌شود) به نظر مورگنتا سیستم موازنه نه تنها اجتناب‌ناپذیر بوده بلکه اصولاً عاملی ثابت‌بخش در روابط بین‌الملل است (شیهان، ۱۳۸۸: ۴۳).

سیستم تابع منطقه‌ای

اصولاً با بهره‌گیری از تئوری‌های گوناگون در حوزه روابط بین‌الملل و ترکیب آن‌ها در قالبی نو با محور قرار دادن موضوع مطالعاتی روابط بین‌الملل، یعنی نظم سیستمی، می‌توان طرح مفهومی مطالعات منطقه‌ای به‌طور اعم و خلیج فارس به‌صورت اخص و به‌عنوان یکی از سیستم‌های تابع در نظام بین‌الملل را در قالب نمودار یک ارائه کرد. از آنجا که نظم پدیده‌ای سیستمی به شمار می‌آید، طرح مفهومی مذکور ابتدا با بهره‌گیری از تئوری‌های مختلف، زمینه‌های شکل‌گیری سیستم تابع را به‌عنوان چارچوب کارکردی چنین نظامی تبیین می‌کند و در گام دوم سطوح مختلف شکل‌گیری الگوهای رفتاری در درون سیستم

از جمله موضوعات مهم و یکی از پارامترهای نظم مطرح می‌گردد و در قالب ورودی‌های ناشی از محیط سیستمی به بخش ساماندهی الگوهای رفتاری یعنی ساخت‌های کنترل به‌عنوان دیگر پارامتر نظم وارد می‌شود. در طرح مفهومی موردنظر، انواع کنترل‌کننده‌ها نیز تبیین می‌شود که ماحصل فرایند مذکور پدیدار شدن نظم یا بی‌نظمی منطقه‌ای است که در صورت ناتوانی کنترل‌کننده‌های منطقه‌ای در ساماندهی الگوهای رفتاری و شکل‌گیری شرایط بی‌نظمی، دخالت کنترل‌کننده‌های برون منطقه‌ای را به دنبال می‌آورد. با تمرکز بر طرح مذکور، این واقعیت نمایان خواهد شد که چارچوب سیستمی و کارایی و ناکارایی‌های نهفته در آن، بخش کنترل مهم‌ترین پارامتر تبیین‌کننده نظم منطقه‌ای به شمار می‌آید و ناکارایی در این حوزه بیشترین اثر را بر نظم مذکور خواهد داشت و تنها سیستمی توان ادامه حیات دارد که از ساخت‌های مؤثر در این حوزه برخوردار باشد (قاسمی، ۱۳۷۸: ۴۰).

وابستگی به قدرت منطقه‌ای

قدرت منطقه در واقع واژه‌ای است که استفاده از آن در تجزیه و تحلیل‌های مربوط به امور بین‌المللی بسیار رایج است. این واژه که بنیان نظری خاصی در ادبیات روابط بین‌الملل دارد، گویای نوع خاصی از تقسیم‌بندی دولت‌هاست که در آن، قدرت ملی به‌مثابه معیار اصلی مورد توجه قرار می‌گیرد. دولت‌ها را به‌انحاء مختلف می‌توان تقسیم‌بندی کرد؛ برای مثال اگر توسعه ملاک باشد، تقسیم‌بندی رایجی وجود دارد که طبق آن، دولت‌ها به دودسته توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته (کمتر توسعه‌یافته) تقسیم می‌شوند. به لحاظ سطح فضای باز سیاسی نیز در تقسیم‌بندی دولت‌ها با مفاهیمی چون دولت‌های دموکراتیک، دولت‌های اقتدارگرا و دولت‌های توتالیتار برخورد می‌کنیم. حال اگر معیار تقسیم‌بندی، سطح قدرت ملی باشد، به مفاهیمی چون ابرقدرت‌ها، قدرت‌های بزرگ، قدرت‌های میانی و قدرت‌های منطقه‌ای می‌رسیم. ابرقدرت‌ها به تبع موقعیت برتری که در گستره جهانی دارند، منافع و حوزه‌های نفوذ و دخالت خود را در کل جهان تعریف کرده‌اند، به گونه‌ای که اگر

سیستم بین‌الملل تک‌قطبی باشد، فقط ابرقدرت موجود در گستره جهان اعمال نفوذ و دخالت می‌کند، اما اگر دوقطبی یا چندقطبی باشد، ابرقدرت‌ها در مورد کم و کیف اعمال نفوذ به نحوی توافق کرده یا ناگزیر از پذیرش نوعی تفاهم می‌شوند. تقریباً همان نقشی را که ابرقدرت‌ها در سطح جهانی ایفا می‌کنند، قدرت‌های منطقه‌ای در سطح منطقه‌ای خاص اعمال می‌نمایند. قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های میانی، حالت بینابین دارند، آن‌ها اگرچه قدرت مانورشان فراتر از منطقه خاص است، اما قدرت و قابلیت اعمال نفوذشان، محدودتر از گستره جهانی است و در عین حال، به سمت کنار آمدن با ملاحظات ابرقدرت‌ها سوق داده می‌شوند (قاسمی، ۱۳۸۴: ۱۵۹).

ماهیت ارتباط درون منطقه‌ای

قدرت‌های منطقه‌ای، در واقع، قدرتمندترین دولت‌ها در سطح مناطق یا سیستم‌های منطقه‌ای هستند. تعداد قدرت‌های منطقه‌ای در هر منطقه، بستگی به وضع توزیع قدرت در آن منطقه دارد. بر این اساس، ممکن است منطقه شکل تک‌قطبی، دوقطبی یا چندقطبی داشته باشد. وضعیت تک‌قطبی، معمولاً در مناطقی شکل می‌گیرد که قدرت منطقه‌ای موجود، هم‌زمان قدرت بزرگ یا ابرقدرت نیز باشد؛ مثل روسیه در آسیای مرکزی و ایالات متحده در آمریکای شمالی. توزیع قدرت در مناطقی که فاقد چنین قدرت‌هایی هستند، معمولاً تحت تأثیر دخالت قدرت‌های فرا منطقه‌ای است. آن‌ها ممکن است از نقش محوری یک قدرت منطقه‌ای حمایت کنند (مثل ایران در خلیج فارس طی دهه ۱۹۷۰ که به تبع دکترین نیکسون موقعیت ژاندارمری پیدا کرده بود) یا به متوازن‌سازی قطب‌های قدرت تمایل داشته باشند (نظیر آنچه طی دهه‌های اخیر در خلیج فارس اتفاق افتاده است) (همان، ۱۶۰).

ساختار درون منطقه

همپوشانی زیرسیستم منطقه‌ای

منطقه دربرگیرنده یک یا مجموعه‌ای از کشورها است که در فضای جغرافیای خاص، در جوار همدیگر به سر می‌برند. در عین حال، صرف هم‌جواری جغرافیایی برای تعریف منطقه

کافی نیست. منطقه یا سیستم منطقه‌ای، در تعریف با برخی پیچیدگی‌ها و ابهامات مواجه است. کانتوری و اشپیگل، چهار متغیر الگویی را معرفی می‌کنند که تبیین‌کننده جریان‌های مختلف منطقه‌ای و متمایزکننده آن‌ها از همدیگر می‌باشند:

- ماهیت و سطح انسجام یا میزان؛
 - تشابه و یا مکمل بودن ویژگی‌های واحدهای سیاسی که متمایل به همگرایی هستند و میزان مبادلات بین آن‌ها؛
 - ماهیت ارتباطات درون منطقه آن‌ها؛
 - سطح قدرت در سیستم تابعه و ساختار روابط درون منطقه‌ای؛
- کانتوری و اشپیگل، سیستم منطقه‌ای را در قالب همگرا تعریف می‌کنند و دو بخش دارد که عبارت‌اند از: بخش مرکزی که توجه اصلی سیاست بین‌الملل در هر منطقه به آن معطوف است. بخش حاشیه‌ای که در سیاست منطقه نقش جانبی دارند و سیستم مداخله‌گر که گویای نفوذ و شراکت کشورهای خارجی در امور منطقه است. البته، این تصور ایجاد شده که تعریف کانتوری و اشپیگل از سیستم تابعه منطقه‌ای، مصداق عملی مشخصی ندارد. کانتوری و اشپیگل نیز می‌پذیرند که نمی‌توان برای سیستم بین‌الملل زیرسیستم‌هایی با مرزهای مشخص و درعین حال، واجد کلیه ویژگی‌های مذکور در نظر گرفت، اما با تسامح و به صورت کلی می‌توان وجود چند سیستم تابعه را تأیید کرد. بروس راست، ضمن اذعان به وجود ابهامات گریزناپذیر در تعریف منطقه، پنج معیار را برای تمایز سیستم‌های منطقه‌ای از همدیگر مشخص می‌کند:

- تجانس اجتماعی و فرهنگی.
- ایستارهای سیاسی و رفتار خارجی
- نهادهای سیاسی
- وابستگی متقابل اقتصادی
- هم‌جواری جغرافیایی (بیلیس، ۱۳۸۷: ۵۶).

نفوذ

فرا تر از اینکه قدرت‌های فرا منطقه‌ای نفوذ تعیین‌کننده‌ای داشته باشند یا نه خود قدرت‌های منطقه‌ای ممکن است به استراتژی‌های متفاوتی روی آورند. در شرایط موجود در منطقه خلیج فارس، عربستان سعودی بیشتر دنبال برقراری نوعی توازن در برابر قدرت‌های منطقه‌ای دیگر یعنی ایران و عراق است، اما برای ایران، تبدیل شدن به قدرت بی‌رقیب در منطقه اهمیت اساسی دارد. در شرق آسیا، چین در پی اعمال نوعی نقش رهبری است، اما ژاپن به دنبال موازنه قدرت است و در همین راستا، از حمایت قدرت‌های فرا منطقه‌ای (ایالات متحده) برخوردار است. در اروپا، قدرت‌های منطقه شامل انگلستان، فرانسه و آلمان، نه تنها از هژمونی طلبی پرهیز می‌کنند، بلکه درصددند با همکاری و همگرایی، نوعی بلوک منطقه‌ای قدرتمند تشکیل دهند. آن‌ها اگرچه حافظ نوعی توازن قدرت در منطقه هستند، اما موازنه سازی‌شان با همکاری و تفاهم نزدیک همراه است. در آسیای مرکزی و قفقاز، نقش غالب روسیه کاملاً آشکار است و هیچ دولتی در پی موازنه سازی در برابر آن نیست. در عین حال، آن‌ها غالباً به روسیه به‌عنوان قدرت رهبر و هژمون نمی‌نگرند. ایالات متحده در آمریکای شمالی، هژمونی طلبی آشکاری دارد و این نقش تا حد زیادی پذیرفته شده است. در مناطق مختلف آفریقا نیز برخی قدرت‌های منطقه‌ای نظیر لیبی، نیجریه و آفریقای جنوبی، داعیه‌های برتری خواهانه دارند. در مجموع، اینکه چرا استراتژی قدرت‌های منطقه‌ای متفاوت است، بستگی به عوامل متعددی چون موقعیت قدرت آن‌ها، برداشت آن‌ها از موقعیت خود و نگاه آن‌ها به محیط بین‌المللی دارد. در اینجا، بحث خود را صرفاً به قدرت‌های منطقه‌ای بدون موقعیت قدرت فرا منطقه‌ای محدود می‌کنیم. ایویند استرود، از محققان این حوزه مطالعاتی، برای قدرت منطقه‌ای یا به تعبیر قدرت بزرگ منطقه چهار مشخصه تعریف می‌کند. به تعریف وی، قدرت منطقه‌ای دولتی است که:

- به لحاظ جغرافیایی در بخشی از منطقه معینی قرار می‌گیرد.

- قادر به مقابله با هر گونه ائتلاف سایر دولت‌ها در منطقه باشد
- نفوذ بالایی در امور منطقه‌ای دارد
- به واسطه منزلت و اعتبار منطقه‌ای پتانسیل تبدیل شدن به قدرت بزرگ در مقیاس جهانی را دارا است (کورد، ۱۳۷۶:۱۲).

در شرایط نوین جهانی، همان‌طور که انتظارات جدیدی در باب مسئولیت‌پذیری قدرت‌های جهانی شکل گرفته، قدرت‌های منطقه نیز با چنین انتظاراتی مواجه‌اند. ساموئل هانتینگتون در مقاله "ابرقدرت تنها" و در نقد سیاست خارجی ایالات متحده، ضمن تأکید بر لزوم مسئولیت‌پذیری ابرقدرت در قبال مسائل مختلف کل اجتماع بین‌المللی، بر آن است که اعضای اجتماع بین‌المللی برای ایالات متحده، عبارت‌اند از: کشورهای آنگلو ساکسون، اسرائیل، ژاپن، آلمان، برخی کشورهای اروپای شرقی و برخی کشورهای آمریکای مرکزی. اگرچه این‌ها بخش مهمی از اجتماع بین‌الملل را تشکیل می‌دهند، اما همه آن نیستند (see:Huntington,1999:35-49).

نقش ایران و ترکیه و عربستان و مؤلفه‌های نفوذ آن‌ها بر خاورمیانه

۱. ایران

ریشه تاریخی

ایران با دارا بودن ریشه تاریخی - سیاسی چند هزارساله خود نقش مهمی در سیاست داشته است. حکومت مشروطه سلطنتی دودمان پهلوی در ایران با انقلاب ۱۳۵۷ سرنگون شده و نظام جمهوری اسلامی جایگزین شد. مقام رهبری در ایران بالاترین جایگاه رسمی است دین رسمی و مذهب آن تشیع است. بسیاری از ایرانیان به زبان‌های فارسی، آذری، کردی، لری، بلوچی، گیلکی، عربی عراقی صحبت می‌کنند اما زبان رسمی در ایران زبان فارسی است. ایران به‌عنوان یک سرزمین و یک ملت، پیشینه‌ای کهن دارد و یکی از تاریخی‌ترین کشورهای جهان به شمار می‌رود (گرانوسکی، ۱۳۸۵:۱۲۳) این کشور به واسطه قرار گرفتن در منطقه میانی اوراسیا موقعیتی راهبردی دارد؛ و از اعضای سازمان ملل متحد، جنبش عدم

تعهد، سازمان کنفرانس اسلامی، اوپک، سازمان اکو و چندین سازمان بین‌المللی دیگر است. ایران یک قدرت منطقه‌ای در جنوب غربی آسیا است و جایگاه مهمی را در اقتصاد جهانی به دلیل در اختیار داشتن صنعت نفت، صنعت پتروشیمی و گاز طبیعی دارد (همان، ۱۲۴). کلیه بخش‌های حکومتی جمهوری اسلامی با انتخاب مردم به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تشکیل می‌شود ساختار سیاسی ایران شامل اشخاص حقیقی و حقوقی زیر است. رهبر در رأس هرم قدرت قرار دارد. پس از رهبر ساختار سیاسی جمهوری اسلامی بر پایه سه قوه مجریه، قضائیه و وظیفه بر عهده دارد. مجلس خبرگان وظیفه انتخاب رهبری را بر عهده دارد و مجمع تشخیص مصلحت نظام مسئول رسیدگی به اختلافات مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان است (همان: ۳۴)

تفکرات شیعی

ورود و پذیرش تشیع در ایران، فرایندی کند و طولانی مدت بوده است. طی چندین قرن متوالی عوامل متعددی در گرایش ایرانیان به تشیع مؤثر بوده است. رفتار تبعیض‌آمیز و قوم‌گرایانه خلفا و کارگزاران آنان با مسلمانان غیر عرب (موالی) در قرون اولیه، ایرانیان را متوجه خاندان اهل‌بیت علیهم‌السلام ساخت که رفتاری عطوفت‌آمیز و انسانی با آنان داشتند. در قرن دوم و سوم نیز اعراب شیعه و علویان که از فشار و سخت‌گیری حکام اموی و عباسی به تنگ آمده بودند، به ایران مهاجرت کردند و این امر افکار ایرانیان را برای پذیرش تشیع، آماده‌تر کرد. در قرن سوم، حضور علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام به‌عنوان سرآمد علویان زمان و تمایل علویان برای مهاجرت به ایران به خاطر حضور ایشان، از عوامل رونق تشیع به شمار می‌آید. علاوه بر این، تشکیل دولت علویان طبرستان در سال ۲۵۰ ه.ق و روی کار آمدن صفاریان که به‌نوعی متمایل به تشیع بودند، در گسترش تشیع در ایران عامل مؤثر به حساب می‌آید (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۶: ۱۰۱) پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که مبتنی بر اندیشه سیاسی اصیل شیعی به وقوع پیوست، پیش از آنکه یک تحول سیاسی مهم قلمداد شود، تلنگر جدی بر اندیشه تمدن جدید مغرب‌زمین در الزام تاریخی

جوامع و ملل دیگر در پیمودن مسیر رشد و توسعه به شیوه آن‌ها و دارای ماهیتی شالوده شکنانه بود. رنسانس و آغاز دوره جدید، نگاه مغربیان را از آسمان به زمین آورد و انسان و تمایلات وی در بنیان و اساس نظریات دانشمندان آن دیار قرار داد. از آنجایی که اندیشه جدید در تقابل با دستگاه فکری کلیسا و مدعیات دینی آن‌ها پا گرفته بود، حذف و یا حداقل انزوای تفکر دینی به کلیدواژه نظریه پردازی غربیان تبدیل شد. از این منظر، جوامع بشری برای نیل به آرمان‌شهری که آن‌ها توصیف می‌کردند بایستی از قالب اعتقادات و تفکر دینی خارج شوند. آن‌ها این الگو و مدل را برای جوامع دیگر نیز توصیه می‌کردند، از این رو، پس از ورود و استعمار بخش‌های مختلف جهان اسلام، به شدت به ترویج این ایده پرداختند. بخشی از این مأموریت هم به برخی از نخبگان و روشنفکران متأثر از آن‌ها واگذار شد. بررسی روند نیز نشان می‌داد تفکر استعماری علیرغم مقاومت‌های مختلف، با فراز و نشیب و استفاده از شیوه‌های متنوع، در مجموع موفقیت قابل توجهی را به دست آورده است؛ اما یکی از کانون‌های همیشگی مقاومت در برابر این هجمه نظامی و فرهنگی، تشیع و اندیشه‌های مترتب بر آن بود. سلاح اصلی تمدن غربی در این مصاف، تفکر و فرهنگ بود که اندیشه سیاسی تشیع به مدد عقلانیت ذاتی خود بالقوه توان هضم و پاسخگویی به تحولات و مفاهیم وارداتی را داشت (پولادی، ۱۳۸۵: ۴۷) در حوزه سیاسی، قانون، حقوق شهروندی، مشارکت سیاسی و حق اکثریت و به دنبال آن تفکر ناسیونالیستی و ایجاد دولت-ملت‌های جدید و انقراض خلافت اسلامی مسائلی بودند که علیرغم دشواری، اندیشه شیعی توانست مقاومت فکری و فرهنگی مناسبی را به عمل آورد و در نهایت پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت سیاسی تفکر شیعی، گسست جدی را در منظومه تفکری تمدن جدید به دنبال داشت. انقلاب اسلامی ایران و قائد عظیم‌الشان آن با اخذ شکل و قالب مفاهیم جدید و تزریق محتوای دینی و مذهبی به آن، تمدن غربی را زمین گیر نمود. تداوم انقلاب اسلامی، دلیل روشنی بر توانایی اندیشه سیاسی شیعه در اداره سیاسی و اجتماعی جامعه است. امروز، این اندیشه با استفاده از فرم و شکل مفاهیم غربی،

علیرغم همه مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها، سهم عمده‌ای را در اداره جوامع شیعی و نقش الهام بخشی برای طرفداران تفکر دینی در کشورهای اسلامی و داعیه‌داران عدالت در اقصی نقاط دنیا داشته است. اصرار بر عمل بر شریعت اسلامی و فقه شیعی و حضور فقیه عادل در رأس حکومت، به همراه تأکید بر نقش تأثیرگذار مردم در تحقق و عینیت حاکمیت دینی مهم‌ترین عناصر تفکر سیاسی رهبر است که به‌روشنی بخش مهم آن که تأکید بر اجرای شریعت و حضور گسترده مردم در تعیین حاکمیت است، جزو مطالبات اصلی مردم مسلمان در جنبش‌های اسلامی منطقه است و نام‌گذاری آن، به "بیداری اسلامی" متأثر از این دو است (جعفریان، ۱۳۷۶: ۶۳).

حاکمیت اندیشه سیاسی شیعه تجربه نوینی در تاریخ سیاسی کشورمان بوده است. این تجربه جدید از منظرهای متفاوت موردتوجه قرار گرفته و تحلیل‌گران به بررسی آن پرداخته‌اند. آنچه در این میان مورد اتفاق است آن است که این پدیده دفعی و ناگهانی نبوده، بلکه با طی فرایند تاریخی و در بستر تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در جامعه ایران به وقوع پیوسته است. در این پژوهش باهدف واکاوی سیر تاریخی اندیشه سیاسی تشیع، تحولات و تطورات این حوزه اندیشگی طی دو دهه سال اخیر بررسی شده است. دیدگاه‌ها و اندیشه‌های بزرگان سیاسی و اندیشه‌های شیعی نظیر صاحب‌جوهر، شیخ اعظم و میرزای شیرازی در ساخت سازه‌های اندیشه سیاسی شیعی تا زمان فعلی مؤثر بوده است. انقلاب مشروطه و عرصه مستقیم مفاهیم غربی در ساحت اندیشه شیعی، بر سرعت تحول و تطور دستگاه هاضمه فکری شیعی می‌افزاید. محصول حاکمیت جریان اجتهادی به‌عنوان عامل اصلی و تأثیرگذار و مواجهه با مدرنیته غربی به‌عنوان عامل فرعی، در سیر نهایی اندیشه شیعی، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در چارچوب نظریه مردم‌سالاری دینی به ظهور می‌رسد (لمپتون، ۱۳۷۴: ۸۵).

قدرت نظامی

بر اساس رده‌بندی توان نظامی کشورهای جهان توسط «گلوبال فایرپاور» رتبه ایران در این گزارش چهاردهم اعلام شده است.^۱ این رده‌بندی بر اساس اطلاعات رسمی است که درز می‌کند یا خود کشورها ارائه می‌دهند. برخی کشورها بیشتر از توان واقعی خود را معرفی می‌کنند و برخی مانند ایران و روسیه کمتر از میزان واقعی خود را نشان می‌دهند. قدرت نظامی را تعداد نفرات و تعداد ادوات تعیین می‌کند. سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ شمسی برای جامعه ایرانی تبلور ویژگی‌های مانند امن بودن، مستقل بودن و مقتدر بودن، با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت ذکر شده است (کوچکی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۰).

نقش تاریخی ایران بر خاورمیانه

تاریخ تحولات خاورمیانه در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که تأمین امنیت و ثبات، مهم‌ترین اولویت کشورهای این منطقه و قدرت‌های فرا منطقه‌ای بوده است. در نیم‌قرن گذشته ترتیبات امنیتی متعددی در منطقه به اجرا درآمده است که هر کدام به دلیل عدم توجه به برخی از مؤلفه‌های مهم در خاورمیانه با شکست مواجه شده است. با فروپاشی شوروی، الگوی امنیت خاورمیانه که بر اساس مؤلفه‌های دوران جنگ سرد تدوین شده بود نیز از بین رفت و در نتیجه کنش‌های این منطقه به شدت افزایش یافت. بر این اساس، علاوه بر تلاش قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای برای حل و فصل مشکلات امنیتی و تأمین ثبات، نیاز به طراحی ترتیبات جدید امنیتی مورد تأکید قرار گرفته است. از طرف دیگر، الگوهای امنیتی ایالات متحده آمریکا برای خاورمیانه که بعد از مدنظر قرار گرفت کمکی به حل مشکلات

^۱ طبق گزارش گلوبال فایر پاور رتبه‌بندی جهانی قدرت نظامی در سال ۲۰۲۱ به شرح زیر است: ۱- ایالات متحده آمریکا ۲- روسیه ۳- چین ۴- هند ۵- ژاپن ۶- کره جنوبی ۷- فرانسه ۸- انگلیس ۹- برزیل ۱۰- پاکستان ۱۱- ترکیه ۱۲- ایتالیا ۱۳- مصر ۱۴- ایران ۱۵- آلمان ۱۶- اندونزی ۱۷- عربستان سعودی

امنیتی منطقه نکرد. در واقع تا به حال هر الگوی امنیتی که برای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تأمین منافع قدرت‌های بزرگ طراحی شده و در جهت نادیده گرفتن نقش برخی از قدرت‌های منطقه‌ای بوده در عمل موفقیتی به همراه نداشته است. در این رابطه، طراحی و ایجاد الگوی امنیتی برای منطقه خاورمیانه باید علاوه بر در نظر گرفتن ساختار بومی منطقه شامل همکاری‌های چندجانبه و منطقه‌ای میان کشورهای خاورمیانه باشد و به‌ویژه بر ایفای نقش مؤثر قدرت‌های منطقه و تعامل سازنده آن‌ها با یکدیگر در تأمین امنیت تأکید شود. همچنین موفقیت هر طرحی برای امنیت سازی در منطقه خاورمیانه بستگی زیادی به هماهنگی و تعامل بیشتر میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای دارد. از سوی دیگر چگونگی و نقش قدرت‌های خاورمیانه‌ای در برقراری ثبات و امنیت نیز باید مدنظر قرار گیرد. در این خصوص، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای دارای جایگاه مهمی در ایجاد امنیت در خاورمیانه برخوردار است و می‌تواند در تعامل سازنده با دیگر کشورهای منطقه نقش محوری در برقراری ثبات و حل بحران‌های دیرینه ایفا کند. از عوامل مختلفی که سبب اهمیت خاورمیانه می‌گردد می‌توان از منابع منحصر به فرد انرژی و موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک این منطقه نام برد. از سوی دیگر، استمرار مناقشه اعراب و اسرائیل، بحران در عراق و لبنان، رقابت‌های تسلیحاتی، اشاعه تسلیحات کشتار جمعی، افزایش شکاف‌های قومی و مذهبی، افزایش فعالیت‌های تروریستی از مهم‌ترین عوامل تهدید زا در این منطقه مهم محسوب می‌گردند. علاوه بر انرژی، مسئله امنیت و برتری طلبی اسرائیل در منطقه نیز عامل بسیاری از ناامنی‌ها و بی‌ثباتی‌ها تلقی می‌شود. در این میان، انرژی مهم‌ترین وجهی است که موجب اهمیت موارد فوق برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای می‌شود.

۲. عربستان

عربستان سعودی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان نفت دنیا است. این کشور در حدود یک پنجم کل ذخایر نفتی اثبات شده جهان را در خود جای داده است که این

ذخایر به شکل عمده‌ای در استان شرقی متمرکز شده‌اند نفت ۹۵٪ صادرات و ۷۰٪ درآمد دولت را تشکیل می‌دهد. هرچند اخیراً صادرات غیرنفتی افزایش یافته‌اند. ثروت نفت باعث تبدیل این کشور سلطنتی بیابانی به یکی از ثروتمندترین کشورهای دنیا شده است. درآمدهای گسترده نفتی سبب مدرنیزه شدن سریع کشور و ایجاد دولت رفاه شده است. عربستان همچنین دارای ششمین ذخایر گاز طبیعی بزرگ جهان است. حکومت پادشاهی سعودی در سال (میلادی) به وسیله محمد بن سعود پایه‌ریزی شد. پس از وی عبدالعزیز بن سعود با پشتیبانی شیخ محمد بن عبدالوهاب، شهر ریاض را به تصرف درآورد. در زمان عبدالعزیز، عسیر، تهامه، حجاز، عمان، احساء، قطیف، زیاره، بحرین، وادی الدواسر، خرج، محمل، وشم، سدیر، قصیم، شمر، مجمع، منیح، بیشه، رنیه و ترابه تحت تصرف وهابیان درآمد. سعود بن عبدالعزیز کشورگشایی‌های وهابیان را در شبه‌جزیره تا خلیج فارس ادامه داد. در زمان ابراهیم بن سعود، عربستان از مصر شکست خورد و طوسون پاشا، فرمانده سپاه مصر، مکه را فتح کرد اما نتوانست در مدینه پیشروی کند و به قاهره بازگشت. پس از طوسون پاشا، برادرش، ابراهیم پاشا، نجد را گرفت و خود را به درعیه رساند و پایتخت آل سعود را به محاصره درآورد. در نهایت مقاومت وهابیان را بار دیگر در هم شکست. دوران فرمانروایی عبدالله بن سعود، اوج نفوذ فرهنگ اروپا در عربستان بود تا اینکه عبدالله بن سعود، شکست خورده، به دستور ابراهیم پاشا، محکوم به اعدام شد (لغتات، ۱۳۸۸: ۵۶). نخستین تلاش در زمینه برپایی دوباره فرمانروایی آل سعود توسط مشاری بن سعود بود. پس از وی ترکی بن عبدالله، ریاض را اشغال کرد. فیصل بن ترکی ایجاد فرمانروایی دوم آل سعود را اعلام نمود. خالد بن سعود به فرمانروایی نجد منصوب شد اما عرب‌ها بر وی شوریده، او را از ریاض بیرون کردند. در دوران فرمانروایی عبدالله بن ثنیان، مصر ارتش خود را از عربستان فراخواند. عبدالله بن فیصل با همدستی قبیله عجمان و سعود، به بخش احساء حمله کرد. سعود بن فیصل، قطیف را دوباره به سرزمین‌های سعودی افزود. عبدالرحمن بن فیصل به درگیری با فرمانروایی آل رشید پرداخت و سرانجام از آن‌ها

شکست خورد و فرمان روایی دوم سعودی نیز از بین رفت. فرمانروایی سوم سعودی را عبدالعزیز بن عبدالرحمن بنیان نهاد. پس از مرگ عبدالعزیز، سه پسر دیگرش بانامهای ملک فیصل و ملک خالد و ملک عبدالله در چند دوره به پادشاهی رسیدند. با مرگ خالد، برادرش فهد، به طور رسمی پادشاه عربستان شد و لقب خادم الحرمین الشریفین را برای خود برگزید. وی برای گسترش آیین وهابیت کوشش بسیار نمود و روابط و مناسبات سیاسی با باختر ایجاد کرد. با مرگ فهد، برادرش عبدالله بن عبدالعزیز به پادشاهی عربستان رسید، عبدالله در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۵ میلادی درگذشت و برادر و ولیعهد وی سلمان بن عبدالعزیز به پادشاهی رسید (قاسم، ۱۳۸۳:۱۰۳).

تفکرات شیعی

در عربستان شیعیان اثنی عشری، اسماعیلی و زیدی سکونت دارند. آمار دقیقی از تعداد شیعیان در دست نیست. منابع مختلف ۵ میلیون نفر از جمعیت عربستان را ذکر کرده‌اند. تا پیش از به قدرت رسیدن سعودی‌ها، مؤسسات مهم دینی شیعیان از جمله مساجد و حسینیه‌ها همچنان زنده و فعال بودند و شیعیان تا آن زمان، آشکارا مراسم عبادی خود را برگزار می‌کردند و در حوزه‌های علمیه محلی، به فراگیری علوم دینی می‌پرداختند. این پویایی تا دهه ۴۰ میلادی قن گذشته به اندازه‌ای بود که قطیف را نجف کوچک می‌خواندند. شیعیان اثنی عشری عمدتاً در استان‌های شرقی و مدینه و شیعیان زیدی و اسماعیلی در جنوب عربستان و در مناطق مرزی با یمن سکونت دارند. شیعیان اثنی عشری اکثر شیعیان عربستان اثنی عشری هستند. بیشتر شیعیان در منطقه شرقیه به ویژه استان‌های احساء و قطیف حضور دارند. تعداد کمی نیز در استان دمام منطقه شرقی سکونت دارند (قاسمی، ۱۳۸۸: ۶۳). مناطق شیعه‌نشین عربستان در بخش‌های شرقی و نفت خیز این کشور واقع است. منطقه شرقیه عربستان که اکثریت شیعیان در آنجا زندگی می‌کنند از نظر وسعت ۷۵۹۲۶۸ کیلومتر مربع است که در بین چهارده منطقه‌ای که عربستان را تشکیل می‌دهند از همه وسیع‌تر بوده و از لحاظ جمعیت بعد از مکه و ریاض قرار دارد. منطقه شرقیه از ثروت‌های طبیعی مانند نفت

و محصولات متعدد کشاورزی برخوردار است اما یکی از محروم‌ترین نواحی این کشور محسوب می‌شود. در حال حاضر شیعیان مدینه در قسمت‌های مختلف شهر سکونت دارند. آن‌ها پیش‌تر و قبل از توسعه جدید شهر در بخش‌های جنوبی و شرقی در حاشیه مسجدالنبی نیز زندگی می‌کردند؛ اما اکنون بیشتر در محله غریات، خیابان علی بن ابی‌طالب، حوالی مسجد قبا، خیابان‌های قربان، گاز و طالع ساکن هستند (مریچی، ۱۳۸۷: ۹۶). عربستان سعودی بیش از هشت میلیون کارگر از ملیت‌های سریلانکایی، فیلیپینی، مالزیایی، اندونزیایی، یمنی، لبنانی، مصری، افغانی و... دارد.

وضع تحصیل فرزندان شیعیان

مسئولان سعودی سطح تحصیلات عمومی را بالا برده‌اند و به نظر می‌رسد که شیعیان نیز در این گسترش نادیده گرفته نشده‌اند ولی واقعیت چیزی غیر از این است. طبق یک قانون نانوشته، یک فرد شیعه‌مذهب، نمی‌تواند معلم درس دینی، تاریخ یا عربی و یا مدیر یک مدرسه گردد. همچنین به آن‌ها اجازه تأسیس یک مدرسه خصوصی داده نمی‌شود. درس‌خوانده در میان آن‌ها کم است. معمولاً تا سطح ابتدایی می‌خوانند و کمتر دیپلم می‌گیرند آموزش و پرورش از ایشان شهریه می‌گیرد و هزینه تحصیل گران است. در سطح بالاتر از دیپلم و دانشگاه هم که خیلی کم فرزندان شیعیان مشغول تحصیل هستند. جوانان عربستان بیشتر ترجیح می‌دهند در جاهایی مثل ریاض درس بخوانند که اغلب دانشجویان این دانشگاه‌ها را جوانان پولدار سنی تشکیل می‌دهند. از آنجایی که شیعیان کوچک‌ترین شانس برای دریافت بورسیه برای تحصیل در خارج از کشور را ندارند. شیعیان کمتر به علم‌آموزی می‌پردازند و سطح سوادشان خیلی کمتر از سنی‌هاست، بخصوص با طریقی که دولت سعودی دارد و آن بورسیه دادن به نمره اول‌های هر رشته است. دولت هم هزینه اعزام این‌گونه افراد را به خارج می‌پردازد و هم مسائل آن‌ها را وزارت آموزش عالی دنبال می‌کند (محمدی آشتیانی، ۱۳۸۱: ۳۹). از لحاظ اقتصادی اداری و اجتماعی شیعیان در دوایر دولتی، اصلاً جایی ندارند. از نظر آموزش، تحصیلات عالی نیز در مهدویت بسر می‌برند.

درمجموع شیعیان عربستان در تبعیض و محرومیت بسر می‌برند. اما اکنون ظاهراً و بنا بر اظهارات بعضی از سایت‌های خبری، شیعیان پس از به قدرت رسیدن امیرعبدالله در سال گذشته به تدریج در حال بازیابی آزادی‌های مذهبی خود از دولت عربستان می‌باشند. با این حال هنوز شیعیان امکان ورود به نیروی پلیس و گرفتن مناصب دولتی را ندارند. علاوه بر آن علمای شیعه نیز اجازه تبلیغ مبنای تشیع را در میان شیعیان ندارند. اوج این مسئله، در سرکوب و انزوای بسیاری از نیروهای مخالف، همچون شیخ باقر نمر الباقر، روحانی برجسته شیعیان عربستان، مشاهده شد (موتقی گیلانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۸-۱۰۷).

قدرت نظامی

عربستان سعودی به‌عنوان دارنده پنجمین بودجه نظامی جهان (۶۱ میلیارد دلار) هزینه بسیار کلانی را در حوزه نظامی انجام داده و البته این روند هزینه‌کدهای سرسام‌آور نظامی، مربوط به امسال یا سال گذشته نیست بلکه سالیان درازی است که عربستان جزء چند کشور اول جهان در حوزه اختصاص بودجه نظامی قرار دارد. نگاهی به داشته‌های عربستان در حوزه‌های مختلف اما نشان می‌دهد این کشور یک واردکننده بزرگ تسلیحات و تجهیزات نظامی بوده تا یک تولیدکننده یا حتی صادرکننده تسلیحات نظامی. به‌عنوان مثال در سال ۲۰۱۷ عربستان سعودی بزرگ‌ترین قرارداد خرید تسلیحات نظامی در تاریخ جهان را با آمریکا امضا کرد که به قرارداد ۴۶۰ میلیارد دلاری مشهور شد. طبق این قرارداد، ۱۱۰ میلیارد دلار تجهیزات نظامی به‌صورت آنی و فوری به عربستان سعودی از سوی آمریکا فروخته خواهد شد و ۳۵۰ میلیارد دلار از مابقی قرارداد نیز طی ۱۰ سال توسط آمریکا اجرا خواهد شد. ارزیابی این رقم هنگامت نشان می‌دهد عربستان به‌طور میانگین در طول ۱۰ سال (حدفاصل ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۷) سالانه ۴۶ میلیارد دلار صرف خرید تسلیحات نظامی آن‌هم صرفاً در این قرارداد کرده است، یعنی بر مبنای بودجه نظامی سال ۲۰۱۹ عربستان، این کشور معادل بیش از دو سوم بودجه نظامی خود را صرف این قرارداد کرده که طبعاً باید این رقم را به بودجه سالانه اضافه کرد، نه اینکه این رقم از بودجه نظامی آن‌ها کم شود.

این قرارداد شامل خرید تسلیحات و تجهیزاتی از جمله جنگنده‌های اف-۱۵، هواپیماهای ترابری C-130 و KC-130، سامانه موشکی تاد، قایق‌های رزمی، کشتی‌های جنگی، هواپیماهای پشتیبانی نزدیک و ... بود (ISNA, 1399). به گزارش پایداری ملی، موسسه آمریکایی GFP فقط بودجه نظامی عربستان در سال ۲۰۲۰، میزان ۵۶ میلیارد دلار بیان شده است (Paydarymelli, 1399)

نقش تاریخی عربستان بر خاورمیانه

کشور عربستان سعودی در خاورمیانه و هم‌مرز با خلیج فارس و دریای سرخ است. در جنوب این کشور، یمن جای دارد. این کشور هم‌چنین با عراق، اردن، کویت، عمان، قطر، امارات متحده عربی مرز یکسان دارد و از طریق پل به بحرین وصل است. آب‌وهوای این سرزمین، گرم و خشک است. تفاوت دمای شب و روز زیاد است. بیشتر زمین‌های آن را بیابان‌های ماسه‌ای تشکیل می‌دهد. عربستان کشوری آسیایی است و در منطقه استراتژیک خاورمیانه قرار دارد و بزرگ‌ترین کشور این منطقه است. مساحت این کشور بخش بزرگی از شبه‌جزیره عربستان یعنی ۸۵ درصد این شبه‌جزیره را تشکیل می‌دهد. از غرب و شرق به دریای سرخ و خلیج فارس مرتبط است و همین دسترسی به آب‌های آزاد این امکان را برای این کشور به وجود آورده تا از دو سوی آن برای حمل‌ونقل‌های دریایی و واردات و صادرات استفاده شود. مرز دریایی این کشور را حدود ۲۶۴۰ کیلومتر برآورد کرده‌اند؛ که بیشترین مرز آبی کشورهای منطقه است (حق‌شناس، ۱۳۸۹: ۸۷).

عربستان سعودی ۲ میلیون و ۲۴۰ هزار کیلومتر مربع برابر با ۸۶۴ هزار و ۸۶۹ مایل مربع وسعت دارد. این وسعت تقریباً یک و سه‌دهم برابر ایران، سه برابر فرانسه و چهار برابر عراق است؛ اما حدود ۷۵ درصد از وسعت را بیابان‌های خشک و بی‌آب و علف پوشانده است. سه صحرای بزرگ «ربع الخالی» و «دهنا» و «نفود» مهم‌ترین کویرهای عربستان هستند. جغرافیدانان، عربستان را به‌طور کلی به چهار منطقه و سه ناحیه تقسیم می‌کنند. ارتفاعات غربی که از خلیج عقبه آغاز و به حجاز و عسیر در جنوب پایان می‌یابد. منطقه نجد که در

مرکز شبه جزیره عربستان است، منطقه احساء که در سواحل جنوبی خلیج فارس قرار دارد و در نهایت منطقه کویری و بیابانی که منطقه قابل توجهی از مساحت این کشور را پوشانده است؛ اما سه ناحیه عربستان را «حجاز» و «نجد» و «تهامه» نامیده‌اند که تهامه از سواحل دریای سرخ تا سرزمین نجران است. ناحیه نجد شامل منطقه وسیعی در مرکزیت عربستان است و کانون شکل‌گیری فرقه وهابیت و دولت سعودی است و سرانجام ناحیه حجاز که از شمال غربی آغاز و تا جنوب غربی کشور امتداد دارد و شهرهای مقدس مکه و مدینه و نیز بندر استراتژیک جده را در بر گرفته است (محمدی آشتیانی، ۱۳۸۱: ۹۳).

۳. ترکیه

ریشه تاریخی

ترکیه در خاور با کشورهای ایران، جمهوری آذربایجان (نخجوان)، ارمنستان و گرجستان؛ در جنوب خاوری با عراق و سوریه؛ و در شمال باختری (بخش اروپایی) با بلغارستان و یونان همسایه است. همچنین ترکیه از شمال با دریای سیاه، از باختر با دو دریای کوچک مرمره و اژه و از جنوب باختر با دریای مدیترانه مرز آبی دارد. دو تنگه راهبردی بسفر و داردانل نیز در اختیار ترکیه است (انصاری، ۱۳۷۳: ۸۴). حدود ۷۵-۸۵ درصد مردم سنی و بین ۷۰-۷۵ درصد ترک هستند. ۱۵ تا ۲۵ درصد علوی و جمعیت آن با ۱۸ درصد کرد و مابقی از سایر باشندگان قومی ترکیه است. با آنکه حکومت لائیک دارد ولی بسیاری از مردم به اسلام پایبند هستند و عید فطر و عید قربان تعطیل رسمی است. ترکیه بانام امپراتوری عثمانی در چند سده گذشته، بخش‌های بزرگی از خاورمیانه و جنوب خاوری اروپا را در دست داشت. تا اینکه پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی، جمهوری ترکیه به رهبری مصطفی کمال پاشا آتاتورک در سال ۱۳۰۲/۱۹۲۳ تأسیس شد (گیتاشناسی، ۱۳۷۲: ۶۳).

تفکرات شیعی

از ابتدای تشکیل حکومت جمهوری ترکیه، تمام مؤسسه‌های دینی از طرف آتاتورک بسته شد. مؤسسه‌های علویان نیز از آن جمله بود. آنان به هیچ وجه نمی‌توانستند فعالیت کنند. فقط اوقاف دیانت ترکیه، آن‌هم به مقداری که دولت اجازه می‌داد، فعالیت می‌کرد. ماهیت فعالیت آن را هم دولت مشخص می‌کرد. فعالیت‌های اوقاف دیانت چنان بود که نمی‌توانستند در مورد آیاتی که درباره حکومت ظالمان و فاسقان است حرفی بزنند و سخنرانی کنند. از جمله آن آیات، ۴۴، ۴۵ و ۴۷ سوره مائده است. این روند تا ۲۵ سال ادامه اخیر ادامه داشت ولی در ۲۵ سال اخیر تشکل‌های دینی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی علویان خیلی زیاد شده است. از جمله دلایل آن می‌توان وقوع انقلاب اسلامی ایران و فروپاشی شوروی را نام برد. از این رو ترکیه اجازه داد که با این تشکل‌ها در جهت کارهای فرهنگی و هنری مشغول شوند. سبب دوم ایجاد این تشکل‌ها هم وقوع حوادث چندگانه است از جمله در ۱۹۷۸ در شهر قهرمان‌ماراش و کشته شدن بیش از صد علوی بود. حادثه دوم در ۱۹۸۰ در شهر چو روم و کشته شدن ۲۵ علوی بود. حادثه سوم در سال ۱۹۹۳ در شهر سیواس و کشته شدن ۳۷ نفر و حادثه چهارم در ۱۹۹۵ در محله فاضی استانبول رخ داد و در نتیجه در آنجا هم ۱۸ علوی کشته شد. این حوادث روح علویان را که بیدار و در مقابل اعمال ظالمانه دولت، به عکس العمل واداشت. پس از این بود که آنان به انواع تشکل‌ها روی آورند. این حوادث در یک اعتراض مردمی در مورد یک بیدادگری حکومتی رخ داده است.

قدرت نظامی

نیروهای نظامی ترکیه متشکل از نیروی زمینی، هوایی، دریایی و نیروهای شبه‌نظامی ژاندارم است. ریاست جمهوری فرمانده کل نیروهای نظامی ترکیه را به عهده دارد که مستقیماً از طریق ستاد ارتش ترکیه و همچنین از طریق نخست‌وزیر و وزیر کشور اعمال قدرت می‌کند. دانشکده نظامی ترکیه در آنکارا مهم‌ترین محل آموزش نیروهای نظامی این کشور

است و فارغ التحصیلان دبیرستان‌ها را داوطلبانه جذب می‌کند. آن‌ها در یک دوره سه‌ساله آموزش می‌بینند و به‌عنوان ستوان دوم فارغ التحصیل می‌شوند. یکی دیگر از مدارس مهم نظامی ترکیه، کالج ستاد ارتش در استانبول است که پس از یک دوره چهارساله تحصیلی در ستاد و پست‌های مهم نظامی به کار مشغول می‌شوند (انصاری، ۱۳۷۳: ۲۱۴). به‌غیر از نیروهای زمینی، دریایی و هوایی، از جمله مهم‌ترین نیروهای شبه‌نظامی، نیروهای گارد ملی (ژاندارم) است که یک ژنرال نیروی زمینی آن را فرماندهی می‌کند که در زمان جنگ تحت کنترل نیروی زمینی است. بسیاری از نیروهای نظامی ترکیه به دلیل عضویت این کشور در ناتو (از ۱۹۵۲ م) در موقعیت بحرانی، تحت کنترل ناتو قرار می‌گیرند اما در زمان صلح، تحت کنترل ملی ترکیه قرار دارند. در سالیان گذشته، ترکیه اهمیت ویژه‌ای به بودجه دفاعی داده و در لیست ۲۸ کشور عضو ناتو، همواره در میان ۱۰ کشور اول حضور داشته است. اگرچه ترکیه پس از آمریکا، دومین ارتش پرشمار ناتو را در اختیار دارد اما از حیث میزان بودجه و مصارف بخش دفاعی و امنیتی، ترکیه همیشه در ردیف هفتم قرار گرفته است. در سال ۲۰۱۹ میلادی، به‌طور میانگین، کل بودجه نظامی و امنیتی کشورهای عضو ناتو با رشد ۴ درصدی به ۹۴۸ میلیارد دلار رسید که ۱۸ میلیارد دلار آن، مربوط به ترکیه بود. بودجه دفاعی - امنیتی ترکیه در سال ۲۰۲۰ میلادی، رقمی معادل ۱۱۹ میلیارد لیره بوده و امسال با افزایش ۱۵٫۷ درصدی به ۱۳۸ میلیارد لیره رسیده است (TASNIMNEWS, 1399).

مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده استراتژی نظامی ترکیه را می‌توان در موقعیت جغرافیایی خاص و وظایف آن کشور با توجه به عضویت در پیمان ناتو و برخی نگرانی‌ها در خصوص روابط با همسایگان و مخصوصاً با یونان و مسئله تجزیه‌طلبان کرد در شرق این کشور دانست؛ که البته به این عوامل باید تمایلات جدید ترکیه را برای ایفای نقش مهم‌تری در تحولات آینده آسیای میانه و منطقه خاورمیانه اضافه کرد؛ که در اینجا به بررسی برخی از این عوامل می‌پردازیم (Hlaalleles, 2001: 57). موسسه تحقیقات صلح سوئد اعلام کرده

که ترکیه در سالیان اخیر، بر پله پانزدهم کشورهای پرخرج نظامی قرار گرفته و بخشی از افزایش بودجه چند سال گذشته نیروهای مسلح این کشور به خاطر حملات وسیع به شمال سوریه بوده است. در گزارش این موسسه آمده است که بودجه دفاعی ترکیه در ۱۰ سال اخیر شاهد افزایش رقم ۸۶ درصدی بوده است. در ۱۰ سال اخیر علاوه بر مخارج دفاعی و امنیتی ناشی از جنگ و درگیری با پ.ک.ک، پروژه‌های حوزه صنایع دفاعی، قراردادهای خرید تسلیحاتی و همچنین اقدامات نظامی برون‌مرزی و لشکرکشی، هزینه‌های سنگینی بر دست دولت ترکیه گذاشته است. ترکیه در سالیان ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ میلادی، بیش از ۱۳۲ گروه مسلح مخالف دولت سوریه را ساماندهی و تسلیح کرده و میلیون‌ها دلار صرف تسلیح و حقوق ماهیانه شبه‌نظامیان ترکمان و عرب، در سوریه، لیبی و قره‌باغ کرده است (TASNIMNEWS, 1399). ساختار فرماندهی ناتو در منطقه شامل: فرماندهی جنوب شرقی مستقر در ازبک و نیروی هوایی تاکتیکی جنگی مستقر در پایگاه اینجرلیک است که مقرر هر دو در ترکیه بوده است و به‌وسیله ژنرال‌های ترکی با معاونان آمریکایی فرماندهی می‌شوند.

بنا بر برخی گزارش‌ها؛ ناتو ۹ پایگاه نظامی و آمریکا ۱۰ پایگاه نظامی دارد و برخی از گزارش‌ها حاکی است که ناتو در ترکیه ۲۸ پایگاه نظامی دارد که مکان و فعالیت برخی از آن‌ها محرمانه است و مکان برخی دیگر مشخص است. در گزارش دیگری آمده که آمریکا دارای ۴۰ پایگاه نظامی در مناطق مختلف ترکیه است به‌گونه‌ای که ترکیه از هر چهار طرف به‌وسیله پایگاه‌های ناتو و آمریکا محاصره شده است. تعداد پایگاه‌های نظامی ناتو و آمریکا به شرح زیر است:

- استانبول: ناتو و آمریکا هر دو پایگاه نظامی دارند؛
- ازبک: ناتو و آمریکا هر دو پایگاه نظامی دارند؛ (قدیمی‌ترین پایگاه نظامی آمریکا)
- قونیه: فقط ناتو پایگاه نظامی دارد؛
- آنکارا: ناتو دو پایگاه و آمریکا یک پایگاه نظامی دارد؛

- مرسین: فقط آمریکا پایگاه نظامی دارد؛
- آدانا: ناتو و آمریکا هر دو پایگاه نظامی دارند؛ (محل پایگاه هوایی اینجریلیک)
- قهرمان مرعش: فقط ناتو پایگاه نظامی دارد؛
- مالاتیا: ناتو یک پایگاه و آمریکا دو پایگاه نظامی دارد؛
- دیاربکر: ناتو یک پایگاه و آمریکا دو پایگاه نظامی دارد؛
- باتمان: فقط آمریکا پایگاه نظام دارد (ABAN24, 1397)



مسئله قبرس: یکی از موارد مهم اختلاف بین یونان و ترکیه که هر دو عضو ناتو هستند حمایت ترکیه از ترک‌های قبرس است. اشغال نظامی شمال جزیره قبرس توسط ترکیه در ۱۹۷۴ م. بحرانی به وجود آورد که با قطعنامه‌های شورای امنیت نیز به نتیجه مثبتی نرسیده است. شورای امنیت در نوامبر ۱۹۹۲ م ترکیه را مسئول شکست مذاکرات و عدم دستیابی به راه‌حل اختلافات دانست (نجفی، ۱۳۸۲: ۷۸) دو کشور در خصوص آب‌های سرزمینی در دریای اژه نیز اختلاف دارند به همین دلیل یونان از ناتو تقاضا کرد که امنیت مرزهای شرقی‌اش را تأمین کند. بدین ترتیب مسئله قبرس و اختلاف با یونان یکی دیگر از

نگرانی‌های امنیتی ترکیه به شمار می‌رود و در جهت‌گیری‌های نظامی آن کشور تأثیر خود را بر جای گذاشته است.

مسئله کردها: این مورد علاوه بر اینکه باعث مشکلات داخلی جدی برای دولت ترکیه شد. زمینه برخی درگیری‌های مرزی با ۸ برخی از همسایگان؛ از جمله عراق و ایران را فراهم آورده است. کردها حدود ده درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند که عمدتاً در استان‌های کوهستانی و عقب‌مانده حاشیه‌ای شرق و جنوب شرقی این کشور دارای اکثریت هستند. شورش‌های مکرر این قوم از دهه ۱۹۲۰ م. باعث لزوم اعمال حکومت‌نظامی از طرف دولت شده است. قدرت حکومت مرکزی در مناطق دورافتاده کردنشین هنوز اندک است. دولت آنکارا نسبت به شکایات کردها که ناشی از عقب‌ماندگی اقتصادی مناطق کردنشین و سرکوب فرهنگی است کاملاً بی‌اعتنایی نشان می‌دهد (محسنی، ۱۳۸۲: ۷۸).

فعالیت حزب کارگران کرد در سال ۱۹۸۴ م و هم‌زمان با جنگ ایران و عراق تشدید و ارتش ترکیه برای مقابله با آن در جنوب شرقی مستقر کرد به طوری که دو سپاه، از چهار سپاه ترکیه در شرق مستقر شده است. با این حال، حزب به تدریج گسترده‌تر و از یک گروه چریکی به جنبشی مردمی تبدیل گردید که عملیاتش علیه ارتش ترکیه بیش از برجای گذاشت. حکومت ترکیه خلأ قدرت در شمال عراق را از عوامل مهم تشدید عملیات کردها می‌داند و در ۱۸۴ م با بغداد به توافق رسید که گاه‌گاه در شمال عراق مداخله کرده و کردها را سرکوب کند. ابعاد دخالت به دنبال جنگ خلیج فارس شکل گسترده‌ای به خود گرفت (بختیاری، ۱۳۸۹: ۸۵).

نفوذ در آسیای مرکزی و منطقه: یکی از اهداف جدید امنیتی ترکیه تلاش برای تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای و گسترش نفوذ در منطقه آسیای میانه است. به همین منظور قصد دارد یک کمربند امنیتی به دور خود در این منطقه ایجاد نماید. این کشور پیمان‌های دوستی با دولت‌های جدید آسیای میانه و همچنین دولت‌های جدا شده از

یوگسلاوی سابق را امضا کرد و با حمایت از جمهوری آذربایجان در جنگ با ارمنستان و حمایت از بوسنی در این راه اقدام نمود. این کشور با وارد شدن در پیمان منطقه اقتصادی دریای سیاه با شرکت جمهوری آذربایجان، بلغارستان، گرجستان، یونان. مولداوی، رومانی، روسیه، اکراین و ترکیه که در ۱۹۹۲ م امضا شد خواستار ایفای نقش مهم‌تری در تحولات جدید منطقه گردید (انصاری، ۱۳۷۳: ۲۱). این رویکرد متأثر از نظر احمد داوود اوغلو، استاد روابط بین‌الملل و نظریه پرداز سیاست خارجی این کشور است که در سال ۲۰۰۱ کتاب "عمق استراتژیک"، در مورد سیاست خارجی ترکیه بیان می‌دارد که سیاست خارجی ترکیه نامتعادل است چراکه، تأکید بیش از حد به روابط با اروپا و امریکا و نگاه به غرب مانع از توجه به مناطق جغرافیایی و تاریخی به‌عنوان مناطق عمق استراتژیک شده است (حاجی یوسفی و ایمانی، ۱۳۹۰: ۸۳). از طرفی ترکیه خود را به‌عنوان پل ارتباطی کشورهای ترک آسیای میانه و غرب مطرح نماید و این در حالی است که بسیاری از این کشورها مایل به روابط مستقیم با ژاپن و غرب و نه غیرمستقیم از طریق ترکیه هستند. به‌رحال باید گفت که این سیاست و تداوم آن یکی از مسائل مهم امنیتی ترکیه را تشکیل می‌دهد و تضمین و گسترش راه‌یابی به بازارهای منطقه مذکور نقش مهمی در امنیت اقتصادی آن کشور ایفا می‌نماید. در زمینه سیاست امنیتی ترکیه در قبال آذربایجان نیز می‌توان گفت همکاری نظامی آذربایجان و ترکیه مدت‌هاست که بسیار نزدیک بوده و شامل آموزش‌هایی بین ارتش‌های دو کشور می‌شود. این روابط در سال ۲۰۱۳ در هفت نوبت تقویت شد که در سال ۲۰۱۹ به سیزده نوبت رسید. در ۹ ماه اول سال ۲۰۲۰، واردات اسلحه آذربایجان از بخش دفاعی و هواپیمایی ترکیه ۱۲۳,۲۶ میلیون دلار بود. این امر آذربایجان را به چهارمین واردکننده بزرگ اسلحه

در جهان از ترکیه تبدیل کرد. در سپتامبر ۲۰۲۰ خرید آذربایجان به ۷۷,۱۶۷ میلیون دلار رسید (Ibadoglu, 2020).

مسئله امنیتی آب: از دهه ۱۹۷۰ م به بعد مسئله آب اختلافاتی را میان ترکیه با عراق و سوریه به وجود آورد. با توجه به اینکه رودخانه فرات ۸۵ درصد آب‌های سطحی سوریه را تأمین می‌کند هر نوع کنترل بر روی رودخانه مذکور می‌تواند وضعیت ناگواری را برای دیگر کشورها ایجاد نماید (سپیری، ۱۹۹۲: ۲۷۳). ترکیه در ۱۹۸۹ م اعلام کرد که اگر سوریه فوراً حمایت خود را از حزب کارگران کرد قطع نکند این کشور جلوی آب فرات را خواهد گرفت. بستن آخرین تونل انحرافی سد آتاتورک موقتاً جریان آب فرات به سوریه و عراق را به مدت یک ماه کاهش داد و خشم سراسری جهان عرب را موجب شد. به‌رحال مسئله نحوه کنترل آب یکی از اختلافات مهم بین ترکیه با عراق و سوریه است که می‌تواند زمینه مناقشات آینده را موجب گردد.

نقش تاریخی ترکیه بر خاورمیانه

با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در انتخابات سال ۲۰۰۲ ترکیه، ترکیه، تحولی مهم در سیاست خارجی ترکیه به وجود آورد که گسترش حوزه نفوذ ترکیه در منطقه خاورمیانه، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های آن به شمار می‌رود. حضور مؤثر در سازمان کنفرانس اسلامی، عضویت ناظر در اتحادیه عرب، ایفای نقش پررنگ‌تر در منطقه خاورمیانه و نامیدن سال ۲۰۰۷ به‌عنوان سال خاورمیانه، گسترش روابط با سوریه (از جمله سفر تاریخی بشار اسد به ترکیه در سال ۲۰۰۴ و برای نخستین بار در ۵۷ سال گذشته)، بهبود مناسبات با عراق و سفر مقامات بلندپایه دو کشور برای نخستین بار، توسعه روابط با گروه‌های کرد و حکومت خودمختار شمال عراق (از جمله سفر داوود اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه به اربیل در آبان ۱۳۸۸)، متوازن نمودن روابط ترکیه با اسرائیل به موازات گسترش روابط با اعراب (به‌ویژه در جریان درگیری لفظی اردوغان با شیمون پرز در اجلاس داووس و حمله به کشتی آزادی در غزه) را می‌توان از مهم‌ترین مشخصات و

دستاوردهای سیاست خارجی نوین ترکیه در پرتو دیدگاه‌ها و رویکردهای حزب عدالت و توسعه دانست. بر اساس چنین تحولاتی که در رویکرد خاورمیانه‌ای ترکیه در طی چند سال اخیر به وقوع پیوسته است، نقش آفرینی این کشور در تحولات عمیق و پرشتاب کنونی خاورمیانه دور از انتظار نیست؛ اما نکته شایان توجه، اتخاذ مواضع متفاوت و تا حدودی متناقض ترکیه در قبال تحولات اخیر است. از یک سو، رویکردهای ترکیه در قبال تحولات دو کشور تونس و مصر، تاکنون از رویه نسبتاً مشابهی برخوردار بوده است. درخواست از حسنی مبارک و بن علی برای گردن نهادن به خواسته مردم مصر و تونس برای ایجاد تغییرات از سوی رهبران ترکیه و لزوم توجه به خواسته‌های معترضین قابل توجه است. پس از پیروزی جنبش‌های اعتراضی نیز، سفر عبدالله گل رئیس‌جمهور ترکیه به قاهره و دیدار با طنطاوی رئیس شورای نظامی مصر و محمد بدیع دبیر کل اخوان المسلمین و نیز سفر راشد الغنوشی، رهبر حزب نهضت به آنکارا و دیدار احمد داود اوغلو از تونس، نمونه بارز تداوم رویکرد آنکارا در قبال تحولات دو کشور تونس و مصر بود؛ اما مواضع و اهداف ترکیه در قبال تحولات لیبی، بحرین و یمن، رویکردی کاملاً متفاوت را طی نمود. حمایت آنکارا از رژیم‌های سیاسی این کشورها و اتخاذ مواضعی کاملاً محافظه کارانه، ابهامات فراوانی را درباره ماهیت واقعی سیاست خارجی دولتمردان حزب عدالت و توسعه پدید آورد. حمایت تلویحی از رژیم‌های سیاسی قذافی، آل خلیفه و عبدالله صالح، دعوت به آرامش، مخالفت با دخالت‌های خارجی و انجام مذاکرات و رایزنی‌های مختلف با رهبران سیاسی این کشورها از جمله مهم‌ترین موارد رویکرد متفاوت آنکارا به شمار می‌رود. صراحت و شفافیت این رویکرد متعارض در قبال لیبی آن گونه بود که مخالفت‌های شدیدی را در داخل لیبی، افکار عمومی کشورهای عربی و متحدان غربی ترکیه پدید آورد. با توجه به تحولات یادشده، این تحولات پرشتاب و عمیق منطقه خاورمیانه، فرصت گران‌سنگی را پیش روی ترکیه قرار داده است تا این کشور در قامت یک بازیگر تأثیرگذار منطقه‌ای، به ایفای نقش در روند این تحولات پردازد (Hlaalleles,2001:308)

از یک سو، وقوع تحولات مصر و درگیر شدن این کشور با مسائل داخلی موجب کم‌رنگ شدن نقش این کشور، حداقل در کوتاه‌مدت، در تحولات خاورمیانه به‌ویژه در قبال تحولات فلسطین و اسرائیل شده است که این امر می‌تواند فرصت مناسبی را در اختیار ترکیه قرار دهد تا با تضعیف یکی از مهم‌ترین رقبای منطقه‌ای، نقش پررنگ‌تری را در ایفا نماید. از سویی دیگر، ترکیه با اتخاذ سیاست حفظ وضع موجود در قبال تحولات بحرین و یمن، همسو با سیاست‌های شورای همکاری خلیج فارس و کشورهای غربی، به درصدد کاستن از میزان نفوذ و قدرت مانور منطقه‌ای ایران به‌عنوان یکی دیگر از رقبای منطقه‌ای و در پرتو تضعیف مصر و کنترل ایران، نقش پررنگ‌تری را در تحولات منطقه بر عهده گیرد. این مسئله به‌موازات نقش عوامل اقتصادی را باید مهم‌ترین دلایل ترکیه در اتخاذ مواضع متناقض در قبال تحولات خاورمیانه دانست؛ امری که فرصت‌ها و چالش‌های متعددی برای این کشور در پی داشته است. از یک سو با سرنگونی رژیم‌های اقتدارگرای منطقه یکی پس از دیگری، پرسش‌های بنیادینی در خصوص شکل و ماهیت نظام سیاسی مطلوب این کشورها پدید آورده است که در این بین، تجربه موفق ترکیه به‌عنوان جایگزین (آلترناتیو) مناسب و مطلوب نزد بسیاری از نخبگان و افکار عمومی منطقه مطرح شده است؛ امری که آنکارا با دامن زدن به آن درصدد بهره‌مندی حداکثری از آن است. بهره‌گیری ترکیه از ابزار میانجیگری نیز به‌موازات ارائه این الگو، به افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای ترکیه کمک شایانی نموده است؛ اما از سویی دیگر، افزایش انتقادات داخلی از رویکرد خاورمیانه‌ای دولت ترکیه، نحوه مقابله با سرایت خیزش‌های مردمی به مناطق کردنشین در بعد داخلی و بروز شک و تردیدهای جدی نسبت به ماهیت واقعی سیاست خارجی دولتمردان حزب عدالت و توسعه در سطح کشورهای عربی (در پی اتخاذ مواضع متناقض در قبال لیبی، بحرین و یمن) و ایجاد تنش در روابط ترکیه با متحدان غربی (به‌ویژه با عدم مشارکت در عملیات نظامی ناتو در خاک لیبی) در بعد خارجی را باید مهم‌ترین پیامدها و به عبارتی بهتر چالش‌های ترکیه بر بستر تحولات خاورمیانه دانست (انصاری، ۱۳۷۳: ۴۴).

نتیجه گیری

خاورمیانه یکی از مناطق ژئوپلیتیک مهم جهان است که به دلیل وجود "ذخایر عظیم نفت و گاز" حضور اسرائیل " همواره دارای منازعه و رقابت‌های منطقه‌ای و نیز مورد توجه قدرت‌های بزرگ و فرا منطقه‌ای بوده است. از دوران جنگ سرد و نظام دوقطبی، چگونگی ایجاد موازنه قوا در خاورمیانه باعث ایجاد رقابت‌های گسترده منطقه‌ای و نیز جولان قدرت‌های فرا منطقه‌ای شده است. نیاز جهان صنعتی به منابع انرژی مطمئن و همچنین نیاز به داشتن منابعی مستقل در مقابل ذخایر انرژی روسیه موجب شده است تا کشورهای غربی همواره به حضور نظامی در کنار چاه‌های نفت بیندیشند. آن‌ها همواره برای تأمین امنیت خطوط کشتیرانی اهمیت ویژه‌ای قائل بوده‌اند و با استقرار کشتی‌های جنگی خود در مسیر انتقال انرژی در خلیج فارس، رأساً حفاظت از جریان نفت را برعهده گرفته‌اند. در حال حاضر، کشورهای جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، ترکیه و مصر نقش مهمی را در تحولات منطقه خاورمیانه ایفا می‌کنند و نمی‌توان هیچ‌یک از آن‌ها را در معادلات منطقه‌ای نادیده گرفت. تلاش برای به دست گرفتن زمام امور تحولات در کشورهایی مانند بحرین و سوریه و یمن از جمله این رقابت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای است. آمریکا و عربستان مانع از به ثمر رسیدن قیام مردم در بحرین شده‌اند و در سوریه نیز قیام مردمی تبدیل به جنگ مسلحانه ویرانگر داخلی شده است. با این نگاه تحولات سوریه را می‌توان علاوه بر تلاش مردم این کشور برای رهایی از ساختار حکومتی تک‌حزبی در واقع منازعه‌ای بین آمریکا، ترکیه و عربستان سعودی از یک سو و ایران و روسیه و چین از سوی دیگر برای کسب قدرت و ایجاد نفوذ بیشتر منطقه‌ای ارزیابی کرد. حل بحران سوریه نیز تا حدود زیادی به آنچه از سوی بازیگران رقیب در این صحنه اتفاق می‌افتد مربوط می‌شود. موقعیت ژئوپلیتیکی سوریه و پیشاهنگی این کشور در بسیاری از سیاست‌های جهان عرب از جمله پشتیبانی از جریان مقاومت علیه اسرائیل همواره بازیگران مختلف منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را در مسائل این کشور درگیر کرده است. در شرایطی که

تهدید داعش رو به گسترش بود ولی بعد از مسئله سوریه و داعش باید گفت رقابت مستقیم میان تهران و ریاض تهدید بزرگی برای ثبات و پایداری خاورمیانه به حساب می‌آید که در کنار تلاش برای افزایش نقش ترکیه در منطقه موجب ترسیم خطوط نبرد در این منطقه خواهد شد که با توجه به قدرت هر یک از این سه کشور دست کم می‌توان انتظار توازن نوظهوری از قدرت در منطقه در عین شکنندگی رسید.

منابع

- امام خمینی (ره) (۱۳۶۶)، تحریر الوسیله، قم. دفتر تبلیغات اسلامی.
- امیری، مهدی (۱۳۹۰)، نظام متغیر موازنه قدرت در اوراسیای مرکزی و پیامدهای آن برای ایران، مجله مجلس و راهبرد، شماره ۶۵، صص ۱۹۸-۱۶۷
- انصاری، جواد (۱۳۷۳)، ترکیه در جستجوی نقشی تازه در منطقه، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- بختیاری، سعید (۱۳۸۹)، اطلس جامه گیتاشناسی ناشر: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی.
- بشیری، حسین (۱۳۹۰)، انقلاب و بسیج سیاسی، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم
- بیلیس، جان؛ استیو (۱۳۸۷)، اسمیت؛ جهانی‌شدن سیاست، روابط بین‌الملل در عصر نوین، تهران، ابرار معاصر
- پولادی، کمال (۱۳۸۵)، تاریخ اندیشه سیاسی در ایران و اسلام. تهران: نشر مرکز.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۶) حیات فکری سیاسی امامان شیعه، جلد ۲، قم، انتشارات انصاریان.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد؛ ایمانی، همت (۱۳۹۰)، تحولات روابط ترکیه و اسرائیل در دهه خیر و پیامدهای آن برای ایران، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۰۴-۷۵
- حق پناه، جعفر (۱۳۸۹)، مجله. موازنه فراگیر: الگوی تحلیل نقش قومیت بر سیاست خارجی با تأکید بر خاورمیانه، مجله سیاست، شماره ۲، صص ۹۴-۷۷
- حق شناس کمیاب، سید علی (۱۳۸۹)، ساختار سیاسی اجتماعی عربستان و اقلیت‌های دینی.
- شیهان، مایکل (۱۳۸۸)، امنیت بین‌الملل، ترجمه: سید جلال‌الدین دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- قادری حاجت، مصطفی؛ نصرتی، حمیدرضا (۱۳۹۱)، اهداف ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در آسیای مرکزی، مجله ژئوپلیتیک، شماره ۲۶، صص ۶۳-۹۵
- قاسم، شیخ نعیم (۱۳۸۳)، حزب‌الله لبنان، خط‌مشی گذشته و آینده آن، ترجمه محمدمهدی شریعتمدار، چاپ اول، تهران، اطلاعات
- قاسمی، فرج‌الله (۱۳۷۸)، نگرش سیرنیتیک به مطالعات منطقه‌ای در روابط بین‌الملل، مجله امنیت ملی، شماره دوم، صص ۳۵-۶۵
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۴)، طرح مفهومی و نظری مطالعات منطقه‌ای در سیاست بین‌الملل سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۶۷، صص ۱۵۹-۲۰۰
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۸)، مرجعیت و سیاست در عراق پس از اشغال. فصلنامه علوم سیاسی. سال دوازدهم، شماره ۴۴.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، روابط بین‌الملل، سازمان مطالعات و انتشارات کتب علوم انسانی (سمت)، چاپ دوم، تهران
- کوچکی، سجاده؛ محبی، افشار؛ سبزی، حسین (۱۳۹۶)، راهبردهای قدرت برتر دفاعی منطقه در حوزه نظامی بر اساس سند چشم‌انداز ۴۱۴۱ شمسی، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال پانزدهم، شماره ۷۰، زمستان ۱۳۹۶، صص ۵۴-۷۳
- کورد، مایکل (۱۳۷۶)، قدرت: چگونه آن را به دست آوریم و چگونه از آن استفاده کنیم، ترجمه قاسم کبیری، تهران: ققنوس
- گراتوسکی، آ (۱۳۸۵)، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، داندامایو، مترجم، کیخسرو کشاورزی، ناشر مروارید
- گیتاشناسی (۱۳۷۲)، نگاه نو به کشورهای جهان، تهران سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی
- لفتنانت کونیل (۱۳۸۸)، سیر آرنولد ویلسون، تاریخ عمان و الخلیج

- لمبتون، ان کی. اس (۱۳۷۴)، دولت و حکومت در اسلام، ترجمه سید عباس صالحی و محمد مهدی فقیهی. تهران: مؤسسه عروج
- محسنی، محمدرضا (۱۳۸۲)، پان ترکیسم، ایران و آذربایجان، انتشارات سمرقند
- محمدی آشتیانی، علی (۱۳۸۱)، شناخت عربستان، اول، تهران، نشر مشعر
- مریجی، شمس الله (۱۳۸۷)، مبانی فکری و زمینه‌های اجتماعی جریان‌های معاصر عراق. قم. انتشارات بوستان
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، سازمان مطالعات و انتشارات کتب علوم انسان (سمت)، چاپ اول، تهران
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۱)، پیامدهای بی‌ثباتی امنیتی بر موازنه قدرت در خاورمیانه، مجله ژئوپلیتیک، شماره ۲۷، صص ۳۵-۵۹
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۱)، پیامدهای بی‌ثباتی امنیتی بر موازنه قدرت در خاورمیانه، مجله ژئوپلیتیک، شماره ۲۷، صص ۳۵-۵۹
- موقفی گیلانی، سید احمد؛ عبادی، روح اله؛ فعال نظری، سید علی (۱۳۹۸)، نقش ساختار اقتصادی بر تداوم شکاف‌های اجتماعی عربستان سعودی، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۸، صص ۹۵-۱۲۰
- نجفی، موسی (۱۳۸۲)، مراتب ظهور فلسفه سیاست در تمدن اسلامی. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، وزارت امور خارجه (۱۳۶۹)، ج ۱، ترکیه (کتاب سبز)، تهران
- هادی زاده، محمود؛ عزتی، عزت اله (۱۳۹۳)، نقش ژئواکونومی در قرن بیست و یکم جهان، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال یازدهم، شماره ۴۴، زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۳-۱
- Hlaalleles and haplotypes in the Turkish population: (2001) relatedness to Kurds, Huntington, Samuel p (1999), "The Lonely Superpower". Foreign Affairs, 78/2(1999), pp.35-49.
- Ibadoglu, G. (2020, NOV 17). Retrieved from Why Azerbaijan Won: <https://iwpr.net/global-voices/why-azerbaijan-won>

- ABAN24. (1397, 05 20). Retrieved from آمریکا و ناتو چند پایگاه نظامی در ترکیه دارند؟
<https://fa.abna24.com/news/739512>
- Paydarymelli. (1399, 05 29). Retrieved from واکاوی قدرت نظامی ایران؛ دست برتر ها و آل سعود نسبت به صهیونیست
<https://paydarymelli.ir/fa/news/60304/>
- ISNA. (1399, 08 20). Retrieved from مقایسه قدرت نظامی ایران با کشورهای منطقه
<https://www.isna.ir/news/99082013597>
- TASNIMNEWS. (1399, 09 09). Retrieved from افزایش ۸۶ درصدی بودجه دفاعی ترکیه در ۱۰ سال اخیر
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/09/09/2399380>